مقایسه فاصله یادگیریهای نظری و خدمات بالینی پرستاری و عوامل مؤثر بر آن از دیدگاه دانشجویان، مدرسین و کارکنان پرستاری

دکتر شایسته صالحی، دکتر حیدر علی عابدی، لیلی عالیپور شکوفه نجفی پور، ناهیده فاتحی

چکیده مقاله*

مقدمه. فاصله بین یادگیریهای نظری و خدمات بالینی پرستاری, یکی از مشکلات قابل توجه در پرستاری بوده است. به همین منظور, پژوهش حاضر با هدف مقایسه این فاصله و تعیین عوامل مؤثر بر آن از دیدگاه دانشجویان، مدرسین و کارکنان پرستاری صورت گرفته است.

روشها. این پژوهش ترکیبی به صورت کیفی و کمی صورت گرفت. در مرحله اول پرسشنامه ای با روش پدیده شناسی و با استفاده از مصاحبه پیرامون رابطه بین یادگیریهای نظری و خدمات بالینی پرستاری و عوامل مؤثر بر آن از دیدگاه ۱۰ نفر از دانشجویان، مدرسین و کارکنان پرستاری مورد بررسی تدوین گردید. در مرحله دوم، با روش توصیفی-تحلیلی, میانگین امتیازات مربوط به دیدگاه دانشجویان، مدرسین و کارکنان پرستاری در مورد یادگیریهای نظری و خدمات بالینی پرستاری در زمینه اصول و فنون پرستاری، پرستاری داخلی و جراحی، پرستاری بهداشت جامعه، بهداشت مادران و نوزادان، پرستاری اطفال، پرستاری روانی، آموزش به مددجو، مدیریت پرستاری و فرایند پرستاری تعیین گردید. همچنین عوامل مؤثر در هماهنگی یادگیریهای نظری و خدمات بالینی پرستاری نیز از دیدگاه سه گروه با استفاده از روشهای آماری تعیین و مقایسه گردید.

نتایج. یافته های پژوهش نشان داد که یادگیریهای نظری و خدمات بالینی پرستاری از دیدگاه دانشجویان، مدرسین و کارکنان پرستاری از هماهنگی لازم برخوردار نمی باشد گرچه مدرسین، یادگیریهای نظری و خدمات بالینی را کمتر از دو گروه دیگر هماهنگ دانسته اند. به علاوه, فرضیه های مورد نظر در مورد تفاوت دیدگاه دانشجویان، مدرسین و کارکنان پرستاری در مورد هماهنگی یادگیریهای نظری و خدمات بالینی پرستاری و عوامل مؤثر برآن مورد تأیید قرار گرفت.

بحث. شناسایی فاصله یادگیریهای نظری و خدمات بالینی پرستاری و عوامل مؤثر بر آن راهگشای کاهش شکاف بین آنها خواهد بود. به منظور افزایش هماهنگی یادگیریهای نظری و خدمات بالینی پرستاری، ارزیابی عملکرد پرستاران، بازنگری برنامه آموزش پرستاری و توجه به عوامل مؤثر بر هماهنگی فعالیتها پیشنهاد می گردد.

واژه های اصلی. یادگیریهای نظری، خدمات بالینی پرستاری، شکاف

مقدمه

فاصله بین آنچه در کلاس درس آموزش داده می شود و خدماتی که در بالین ارائه می گردد, به عنوان یک مشکل مورد توجه معلمین، کارکنان و دانشجویان پرستاری بوده است (۱).

اغلب مطالعات انجام شده در دنیا در این زمینه, بر این موضوع دلالت دارند که تفاوت چشمگیری بین یادگیریهای نظری و خدمات بالینی پرستاری مشاهده می شود (۲). از آنجا که پرستاری از جمله حرفه های با اهمیت در گروههای شغلی

* این طرح با شماره ۷۹۱۶۵ در دفتر هماهنگی امور پژوهشی ثبت شده و هزینه آن از محل اعتبارات معاونت پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان اصفهان پرداخت شده است.

دکتر شایسته صالحی, گروه بهداشت دانشکده پرستاری و مامایی, دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان اصفهان, اصفهان.

[Downloaded from ijme.mui.ac.ir on 2026-11-13]

بهداشتی-درمانی جامعه است، هماهنگی بین آنچه آموزش داده می شود و آنچه در بالین عمل می گردد, بسیار مهم به نظر می رسد. پژوهش در پرستاری نیز از جمله فعالیتهایی است که تمرکز بیشتری بر فعالیتهای یادگیری نظری پرستاری دارد و کمتر به فعالیتهای بالینی پرداخته است (۲).

با وجود قدمت بحث و نیز انجام بررسی های متعدد در این مورد، به نظر می رسد یافتن راه حل مناسب برای این معضل کار آسانی نیست و گاهی نیز گریزناپذیر بودن این مطلب پرستاران را در زندگی حرفه ای خود دچار نگرانی های شدید می نماید (۳). مطالعات انجام گرفته دیگری هم شکاف بین آموزشهای نظری و فعالیتهای بالینی را پدیده ای واقعی, قابل توجه و مهم ارزیابی کرده اند (۴ تا ۶).

در ایران نیز مدتی است که بحث فاصله آموزش و خدمات بالینی مطرح شده اما تا کنون پژوهشی در این مورد صورت نگرفته است در حالی که برای برنامه ریزی مناسب، نظام پرستاری برای تغییر در عملکرد خود نیاز به آگاهی از میزان و چگونگی این فاصله به صورت عینی دارد. به علاوه, این فاصله به هر صورت که باشد مسلماً تحت تأثیر عواملی قرار می گیرد که با شناسایی و تحلیل آنها می توان به هماهنگی بیشتر یادگیری های نظری و خدمات بالینی دست پیدا نمود. به منظور شناسایی فاصله بین یادگیریهای نظری و خدمات بالینی پرستاری و عوامل مؤثر بر آن از دیدگاه دانشجویان، مدرسین و کارکنان پرستاری پژوهش حاضر صورت گرفته است.

روشها

این مطالعه ترکیبی (Triangulation) بوده که به صورت مقطعی در سه گروه و در دو مرحله صورت گرفته است. در مرحله اول, با استفاده از روش پدیده شناسی و در مرحله دوم با روش توصیفی تحلیلی, اطلاعات جمع آوری و تجزیه و تحلیل شده است.

نمونه پژوهش شامل تمامی دانشجویان ترم هشتم پرستاری (۷۰ نفر) و با استفاده از فرمول جامعه محدود مدرسین پرستاری (۶۷ نفر) و کارکنان پرستاری (۳۰۰ نفر) که به صورت تصادفی طبقه ای انتخاب گردیدند. محیط پژوهش نیز دانشکده پرستاری و مامایی و بیمارستانهای دانشگاهی شهر اصفهان بود.

متغیرهای مورد نظر در این پژوهش عبارت بودند از فاصله بین یادگیری های نظری و خدمات بالینی و عوامل مؤثر برآن و برخی ویژگیهای جمعیتی واحدهای مورد پژوهش.

شرایط ورود به پژوهش عبارت بودند از: فقط دانشجویان ترم هشتم پرستاری, مدرسین رسمی و پیمانی پرستاری, کارکنان رسمی و پیمانی و طرحی یا قراردادی با مدرک لیسانس پرستاری و سابقه کار حداقل ۶ ماه، و حداکثر ۶ سال باشند.

در مرحله اول پژوهش, تعداد ده نفر از دانشجویان، مدرسین و کارکنان پرستاری برای مصاحبه دعوت گردیدند. در طی مصاحبه نظرات شرکت کنندگان در مورد فاصله بین یادگیریهای نظری و خدمات بالینی و عوامل مؤثر مورد سؤال قرار گرفت. گفتگوها ضبط شد و سپس بر اساس طبقه بندی اطلاعات حاصل و با توجه به مطالعات انجام شده, پرسشنامه نهایی در سه بخش, شامل: بخش اول اطلاعات جمعیتی، بخش دوم ۶۸ سؤال در مورد فعالیت های یادگیری و خدمات بالینی پرستاری در پنج رتبهٔ کاملاً هماهنگ، هماهنگ، تا حدودی هماهنگ، ناهماهنگ و کاملاً ناهماهنگ و بخش سوم ۲۲سؤال در مورد عوامل مؤثر با پنج رتبهٔ کاملاً مؤثر، مؤثر، تا حدودی مؤثر، بی اثر، کاملاً بی اثر تدوین گردید.

در مرحله دوم, پرسشنامه برای واحدهای مورد پژوهش ارسال شد و واحدهای مورد پژوهش پس از تکمیل, کلیه پرسشنامه ها را برگشت دادند. اطلاعات جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تحلیل قرار گرفت.

نتایج

بطور کلی از نظر واحدهای مورد پژوهش بین یادگیریهای نظری و خدمات بالینی پرستاری, هماهنگی لازم وجود ندارد (جداول ۱). در مورد میانگین امتیازات فاصله بین یادگیریهای نظری و خدمات بالینی پرستاری, دیدگاه هر سه گروه در مورد اصول و فنون پرستاری مؤید این مسأله است که این فعالیتها تا حدودی هماهنگ بوده, گرچه میانگین امتیازات در کلیه موارد از نظر پرستاران, از مدرسین و دانشجویان بیشتر, در کل موارد نیز, پرستاران ۳/۶۱۹، مدرسین ۲/۹۶۹ و دانشجویان ۳/۰۶۲ و تفاوت موجود از لحاظ آماری با $p < ۰/۰۰۱$ معنی دار بوده است. به نظر می رسد مدرسین با توجه به انتظارات بیشتری که از هماهنگی یادگیریهای نظری و خدمات بالینی دارند, هماهنگی را کمتر از دو گروه دیگر برآورد نموده اند (جدول ۲).

در مورد رعایت بهداشت فردی بیمار, پرستاران و مدرسین آن را دارای هماهنگی کمتری اعلام نموده اند. می توان گفت این مورد در مراکز پزشکی در حال حاضر مورد بی توجهی قرار گرفته زیرا پرستاران از نزدیک شاهد آن هستند و مدرسین نیز در ضمن نظارت دانشجویان, این مورد را ارزیابی نموده اند. از طرف دیگر, در مورد درست کردن تخت که از نظر دانشجویان کمترین هماهنگی وجود داشته است می توان گفت در دروس نظری, اصول و فنون پرستاری درست کردن تخت های متعددی

[Downloaded from ijme.mui.ac.ir on 2026-11-13]

به دانشجویان آموزش داده می شود که در بالین هیچ یک از آنها عملاً کاربرد ندارند یا بکار گرفته نمی شوند. بنابراین, از نظر دانشجویان کمترین هماهنگی در بخش نظری و عملی این مورد وجود داشته است.

در مورد هماهنگی یادگیریهای نظری و خدمات بالینی در پرستاری داخلی و جراحی, دیدگاه هر سه گروه مؤید این است که تا حدودی هماهنگ بوده و در هیچ یک از موارد هماهنگ یا کاملاً هماهنگ نیست، از نظر مدرسین و دانشجویان, کمترین هماهنگی در اورژانس وجود داشته است. به نظر می رسد این مورد به این دلیل است که در اغلب بیمارستانها, اورژانسها از استانداردهای ساختاری و مراقبتی برخوردار نمی باشند. بنابراین, بین آنچه به دانشجو آموزش داده می شود و آنچه عملاً تجربه می کنند, تفاوت و فاصله به وجود می آید. به علاوه, در کل موارد, میانگین هماهنگی فعالیتها از نظر پرستاران ۳/۵۱۵، مدرسین ۳/۰۶۱ و دانشجویان ۳/۲۳۴ بوده است. این تفاوت با $p < ۰/۰۰۱$ نیز از لحاظ آماری معنی دار بوده است (جدول ۲). در واقع مدرسین یادگیریهای نظری و خدمات بالینی داخلی و جراحی را کمتر از دو گروه دیگر هماهنگ دانسته اند.

هماهنگی در یادگیریهای نظری و خدمات بالینی پرستاری بهداشت جامعه, از نظر هر سه گروه پرستاران، مدرسین و دانشجویان تا حدودی وجود داشته در کل میانگین امتیازات در این مورد در پرستاران ۳/۲۴۴، در مدرسین ۲/۹۳۵ و در دانشجویان ۳/۰۳۶ بوده که این تفاوت با $p=۰/۰۵$ از لحاظ آماری معنی دار بوده است (جدول ۲).

واکسیناسیون و مادر و کودک, از نظر سه گروه هماهنگی بیشتری داشته و به نظر می رسد به این علت است که در نظام بهداشتی ما جایگاه و نقش پرستار در آن روشنتر است در حالی که در معلولین ذهنی، بهداشت حرفه ای و سالمندان که به ترتیب از نظر پرستاران، مدرسین و دانشجویان هماهنگی کمتری داشته است, این نقش در نظام بهداشتی چندان روشن نیست. و جایگاه خاصی برای پرستاران در این موارد پیش بینی نشده است.

بنابراین, بین آنچه در دروس نظری مطالعه می شود و آنچه در عمل تجربه می گردد, هماهنگی کمتری وجود دارد. مراکز نگهداری سالمندان در اصفهان، صرفاً مراکزی خیریه و فاقد استانداردهای مراقبتی لازم می باشند. بنابراین, این هماهنگی بویژه از دیدگاه دانشجویان بسیار کم بوده است.

میانگین هماهنگی یادگیریهای نظری و خدمات بالینی پرستاری اطفال, از نظر پرستاران، مدرسین و دانشجویان در حد هماهنگ و کاملاً هماهنگ نبوده ولی در کل از نظر مدرسین, هماهنگی در فعالیتهای نظری و عملی (۲/۸۵۷) کمتر ازپرستاران (۳/۵۴۱) و دانشجویان (۳/۳۱۹) بود. این تفاوت از لحاظ آماری نیز معنی دار بوده است (جدول ۲).

میانگین امتیازات هماهنگی در روانپرستاری از نظر پرستاران, بیشتر در بخش روانپزشکی و از نظر مدرسین و دانشجویان در درمانگاه روانپزشکی بوده است. در کل موارد, میانگین امتیازات از نظر پرستاران ۳/۰۶۴ مدرسین ۳/۳۳۳ و دانشجویان ۲/۹۱۶ بوده و تفاوت نیز از لحاظ آماری معنی دار نبوده است (جدول ۲). البته به نظر می رسد به دلیل محدودیت های کار در بخش روانپزشکی, میانگین هماهنگی در درمانگاه از نظر دانشجویان و مدرسین بیشتر بوده است.

جدول ۱. میانگین امتیازات فاصله بین یادگیریهای نظری و خدمات بالینی پرستاری از دیدگاه واحدهای مورد پژوهش

مورد فعالیت	میانگین	انحراف معیار	نتیجه آزمون	
۱- اصول و فنون پرستاری	۳/۴۴۳	۰/۷۳۴	P <۰/۰۰۱	t=۱۱/۷۵
۲- مراقبتهای داخلی و جراحی	۳/۴۱۴	۰/۷۲۷	P <۰/۰۰۱	t=۱۰/۸۷
۳- پرستاری بهداشت جامعه	۳/۱۶۳	۰/۷۹۲	P <۰/۰۰۱	t=۳/۴۰
۴- مراقبت پرستاری اطفال	۳/۳۹۹۵	۰/۸۲۸	P <۰/۰۰۱	t=۷/۷۹
۵- مراقبت پرستاری روانی	۳/۰۵۳	۰/۹۸۳	P=۰/۴۱۶	t=۰/۸۱۵
۶- مراقبت پرستاری مادران و نوزادان	۳/۲۶۷	۰/۷۵۸	P <۰/۰۰۱	t=۵/۴۹۱
۷- مدیریت پرستاری	۲/۹۹۹	۰/۸۹۷	P=۰/۹۹۵	t= -۰/۰۰۶
۸- آموزش مددجو	۲/۸۳۶	۱/۰۱۸	P=۰/۰۵	t= -۲/۸۴۵
۹- کاربرد فرایند پرستاری	۲/۶۶۰	۰/۹۹۷	P <۰/۰۰۱	t= -۶/۰۵
۱۰- فعالیتهای پرستاری در سطح سوم پیشگیری	۱/۹۹۴	۱/۱۱۳	P <۰/۰۰۱	t= -۱۴/۹۹

[Downloaded from ijme.mui.ac.ir on 2026-11-13]

بیشترین هماهنگی فعالیتهای نظری و عملی در پرستاری بهداشت مادران و کودکان, از نظر پرستاران ۳/۳۸۱، مدرسین ۳/۶۶۶ و دانشجویان ۳/۲۶۵, در درمانگاه مادر و کودک و تنظیم خانواده و کمترین آن در زایشگاه بوده است (به ترتیب ۲/۲۱۴، ۳، و ۳/۰۲۶). در کل موارد نیز میانگین هماهنگی از نظر پرستاران ۳/۳۲۸، مدرسین ۳/۰۳۸ و دانشجویان ۳/۱۹۸ بوده و تفاوت نیز از لحاظ آماری معنی دار نبوده است (جدول ۲). به نظر می رسد کمبود هماهنگی در زایشگاه که از نظر هر سه گروه وجود داشته به این دلیل است که در زایشگاه امکان فعالیتهای عملی به دانشجویان پرستاری داده نمی شود. این در حالی است که در دروس نظری, حیطه فعالیتهای پرستار در زایشگاه بسیار گسترده تر است.

بیشترین میانگین امتیازات هماهنگی فعالیتهای نظری و عملی مدیریت پرستاری, از نظر پرستاران, سازماندهی (۳/۲۵۴) و مدرسین (۲/۸۷۵) و دانشجویان, در برنامه ریزی (۳/۲۴۵) بوده در حالی که از نظر هر سه گروه, کمترین هماهنگی در بودجه بندی بوده است (به ترتیب: ۲/۸۱۱، ۲/۰۶۴ و ۲/۶۱۴). به نظر می رسد در بخش بودجه بندی, هماهنگی بسیار کمی بین آنچه کتب مرجع راجع به دخالت مدیران پرستاری در بودجه بندی بیان می کنند و آنچه عملاً در بیمارستانها تجربه می شود وجود داشته باشد. به علاوه, در کل نیز میانگین هماهنگی فعالیتهای مدیریتی از نظر پرستاران (۳/۰۵۶)، مدرسین (۲/۶۳۰) و دانشجویان (۲/۹۸۰) بوده و تفاوت نظر گروهها با p=۰/۰۴ از لحاظ آماری معنی دار بوده است (جدول ۲). به نظر می رسد مدرسین و دانشجویان نگرش ایده آلتری نسبت به فرایند مدیریت پرستاری داشته, به این دلیل یادگیریهای نظری و خدمات بالینی آن را به مقدار کمتری هماهنگ دانسته اند.

بیشترین هماهنگی در آموزش به مددجو از نظر پرستاران ۳/۱۴۶، مدرسین ۲/۷۷۵ و دانشجویان۲/۶۳۱ بوده در حالی که در آموزش به خانواده و جامعه از نظر هر سه گروه هماهنگی کمتری وجود داشته است. در کل میانگین آموزش به مددجو از نظر پرستاران ۲/۹۶۸، مدرسین ۲/۵۴۰ و دانشجویان ۲/۵۴۹ بوده و تفاوت با p=۰/۰۰۳ معنی دار بوده است (جدول۲). به نظر می رسد پرستاران, آموزش به مددجو طبق روال عادی را عملی تر دانسته در حالی که مدرسین و دانشجویان اصول و

جدول ۲. میانگین امتیازات فاصله بین یادگیریهای نظری و خدمات بالینی در موارد مختلف از دیدگاه پرستاران، مدرسین و دانشجویان

موارد	پرستاران	مدرسین	دانشجویان	P
اصول و فنون پرستاری	۳/۶۱۹±۰/۶۶۲	۲/۹۶۹±۰/۷۵۴	۳/۰۶۲±۰/۷۰۹	<۰/۰۰۱
مراقبتهای داخلی و جراحی	۳/۵۱۵±۰/۷۰۳	۳/۰۶۱±۰/۷۷۱	۳/۲۳۴±۰/۶۹۴	<۰/۰۰۱
پرستاری بهداشت جامعه	۳/۲۴۴±۰/۷۵۵	۲/۹۳۵±۰/۸۴۶	۳/۰۳۶±۰/۸۴۸	۰/۰۵
مراقبت پرستای اطفال	۳/۵۴۱±۰/۷۷۹	۲/۸۵۷±۰/۹۰۹	۳/۳۱۹±۰/۷۸۲	<۰/۰۰۱
مراقبت پرستاری روانی	۳/۰۶۴±۰/۹۵۹	۳/۳۳۳±۰/۶۱۹	۲/۹۱۶±۱/۱۳۵	۰/۲۱
مراقبت پرستاری مادران و نوزادان	۳/۳۲۸±۱/۷۲۰	۳/۰۳۸±۰/۸۴۱	۳/۱۹۸±۰/۸۱۲	۰/۱۴
مدیریت پرستاری	۳/۰۵۶±۰/۹۰۷	۲/۶۳۰±۰/۶۷۷	۲/۹۸۰±۰/۹۲۸	۰/۰۴
آموزش مددجو	۲/۹۶۸±۱/۰۴۸	۲/۵۴۰±۰/۷۴۹	۲/۵۴۹±۰/۹۸۱	۰/۰۰۳
کاربرد فرایند پرستاری	۲/۷۸۰±۱/۰۳۳	۲/۱۷۰±۰/۸۳۱	۲/۵۵۲±۰/۸۴۷	۰/۰۰۱
فعالیتهای پرستاری در سطح سوم پیشگیری	۱/۹۵۷±۱/۱۵۰	۲/۰۱۶±۰/۹۴۴	۲/۱۰۹±۱/۰۸۳	۰/۶۷

[Downloaded from ijme.mui.ac.ir on 2026-11-13]

دانشجویان نیز همین مورد را مؤثرترین عامل بر فاصله بین یادگیریهای نظری و خدمات بالینی دانسته اند. می توان گفت پرستاران در محیط واقعی کار بالینی به اهمیت نقش انگیزه در هماهنگی فعالیتها پی برده و آن را بسیار مؤثر دانسته اند در حالی که مدرسین و دانشجویان نیاز به ارتباط مناسب بین دانشکده و محیط آموزش بالینی را بیشتر احساس نموده و بنابراین, آن را مؤثرتر از سایر موارد مطرح شده در پرسشنامه دانسته اند.

بحث

همان گونه که ملاحظه شد, به نظر هر سه گروه واحدهای مورد پژوهش, هماهنگی مطلوب بین یادگیریهای نظری و خدمات بالینی پرستاری وجود ندارد. در یک بررسی دیگر, از نظر دانشجویان، مدرسین و رابطین پرستاری هماهنگی لازم بین فعالیتهای نظری و عملی پرستاری وجود نداشته و بر این عقیده است که فاصله بین فعالیتهای نظری و عملی پرستاری کماکان وجود دارد (۶).

گرچه بسیاری از محققین به دنبال یافتن راه حلهایی برای کم کردن این فاصله هستند، برای کاهش این فاصله شناسایی فاصله در قسمتهای مختلف یادگیریهای نظری و خدمات بالینی بسیار با اهمیت است. شناسایی این نکته که بین آنچه در کلاس درس آموزش داده می شود و آنچه در محیط بالینی عمل می شود چقدر انطباق وجود دارد و چه عواملی بر این انطباق تأثیر می گذارد (۷).

در مطالعه ای, عوامل بسیاری را بر فاصله فعالیتهای نظری و عملی پرستاری مؤثر دانسته که از جمله مهمترین آنها می توان از برنامه ریزی دانشکده ای، برنامه درسی مستتر و توسعه روزافزون جنبه های نظری علم پرستاری نام برد (۱).

مطالعه دیگری, پدیده فاصله بین یادگیریهای نظری و خدمات بالینی پرستاری را, مثبت یا منفی دانسته و هماهنگی و اتصال این فعالیتها را لازم می داند. در این تحقیق به منظور تعیین دیدگاه مدرسین، دانشجویان پرستاری و رابطین بالینی در این مورد, به این نتیجه رسید که از نظر هر سه گروه هماهنگی بین فعالیتها کمتر از حد مطلوب بوده و علل آن کمبود محیط های بالینی، توالی نظری و عملی، فقدان هماهنگی بین محیط بالینی و مؤسسات آموزشی و عدم وضوح نقش معلمین پرستاری بوده است.

روشهای آموزش را که از لحاظ نظری مطرح است با آنچه عملاً در بخشها تجربه می شود, کمتر هماهنگ دانسته اند.

بیشترین میانگین هماهنگی در یادگیریهای نظری و خدمات بالینی در فرایند پرستاری, از نظر پرستاران ۲/۸۱۳، مدرسین ۲/۲۶۸ و دانشجویان ۲/۶۳۱ در ارزیابی و شناخت مددجو بوده و کمترین آن به ترتیب ۲/۷۷۲، ۲/۰۷۳ و ۲/۳۵۰ در ارزشیابی بوده است. ضمناً میانگین در کل در هر سه گروه ناهماهنگ بوده است (پرستاران ۲/۷۸۰، مدرسین ۲/۱۷۰ و دانشجویان ۲/۵۵۲) و مدرسین از پرستاران و دانشجویان آن را به میزان کمتری هماهنگ دانشته اند (جدول ۲) یعنی فرایند پرستاری از هماهنگی برخوردار نمی باشد گرچه پرستاران و دانشجویان احتمالاً فرایند پرستاری را طبق روال معمول در بخشها عملی دانسته ولی مدرسین با توجه به آنچه در مورد فرایند پرستاری در کتب مرجع آمده است, آن را بیشتر ناهماهنگ دانسته اند.

فعالیتهای نظری و عملی پرستاری در سطح سوم پیشگیری ناهماهنگ بوده و در کل نیز میانگین هماهنگی از نظر پرستاران ۱/۹۵۷، مدرسین ۲/۰۱۶ و دانشجویان ۲/۱۰۹ بوده و این تفاوت نیز از لحاظ آماری معنی دار نبوده است (جدول ۲). به نظر می رسد اولاً به دلیل اینکه سطح سوم پیشگیری در نظام بهداشتی کشور ما در حال حاضر چندان مورد توجه نمی باشد و برنامه ریزی خاصی را دنبال نمی کند و ثانیاً به دلیل اینکه نقش پرستاران در نظام بهداشتی – درمانی جز در بیمارستان تعریف شده نمی باشد, هماهنگی بین آنچه آموزش داده می شود و آنچه عملاً تجربه می شود, وجود ندارد.

در مورد رابطه میانگین امتیازات هماهنگی بین یادگیریهای نظری و خدمات بالینی پرستاری و جنس واحدهای مورد پژوهش, نتایج نشان داد که از نظر زنان هماهنگی بیشتری وجود داشته و این تفاوت در مواردی مثل اصول و فنون پرستاری از لحاظ آماری نیز معنی دار بوده است ($P<۰/۰۰۱$). احتمالاً تفاوت در دیدگاه زنان و مردان به این دلیل می باشد که مردان انتظارات بیشتری از فعالیتهای عملی داشته و به این دلیل آن را با یادگیریهای نظری کمتر هماهنگ می دانند.

در مورد میانگین عوامل مؤثر بر فاصله فعالیتهای نظری و عملی پرستاری, نتایج نشان داد که از نظر پرستاران, انگیزه درونی مؤثرترین عامل بر هماهنگی یادگیریهای نظری و خدمات بالینی است در حالی که مدرسین علاوه بر انگیزه ارتباط محیط, آموزش بالینی و دانشکده را نیز در ایجاد فاصله مؤثر دانسته و

[Downloaded from ijme.mui.ac.ir on 2026-11-13]

- عوامل مؤثر بر ایجاد فاصله بین یادگیریهای نظری و خدمات بالینی مورد توجه ویژه قرار گیرد, بویژه مواردی نظیر ارتباط دانشکده با محیط های آموزش بالینی، انگیزه های درونی پرستاران و برنامه درسی مستتر.

توسعه و تغییر در برنامه آموزش پرستاری، بررسی تأثیر محیطهای بالینی بر مهارتهای دانشجویان، هماهنگی بیشتر بین مؤسسات آموزشی و بیمارستانها و توسعه نقشهای آموزشی مدرسین و رابطین بالینی را از عوامل مؤثر در کاهش فاصله و هماهنگی هر چه بیشتر یادگیریهای نظری و خدمات بالینی پرستاری دانسته است (۶).

بر اساس نتایج پژوهش پیشنهاد می گردد:

- ارزشیابی عملکرد پرستاران فارغ التحصیل بطور مرتب انجام گردد و بازخورد آن به نظام آموزشی منعکس شود تا از این طریق ضمن شناسایی نیازهای شغلی پرستاران, هماهنگی بیشتری بین یادگیریهای نظری و خدمات بالینی صورت بگیرد.

- در مورد برنامه آموزشی پرستاری, بازنگری دوره ای صورت گیرد. این بازنگری باید بر اساس نتایج تحقیقات و نیز شناسایی نیازهای جامعه و امکانات شغلی و محدودیتهای حرفه ای پرستاری انجام شود تا نتایج بهتری به دنبال داشته باشد.

References

1. Ferguson KE. Jinks AM. Integrating what is taught with what is practiced in the nursing curriculum, A multi dimensional model. Journal of Advanced Nursing 1994; 20: 687-95.
2. Upton D. How can we achive evidance-based practice if we have a theory-practice gap. Journal of Advanced Nursing 1999; 29(3): 549-55.
3. Rafferty AM, Allcock N, Lathlean J. The theory and practice gap, taking issue with issue. Journal of Advanced Nursing 1996; 23(4): 685-91.
4. Hewison A. The theory-practice gap in nursing a new dimension. Journal of Advanced Nursing 1996; 24: 754-61.
5. Rolfe G. The theory-practice gap in nursing, from research-based practice to practionner-based research. Journal of Advanced Nursing 1998; 28(3): 672-9.
6. Corlett J. The perceptions of teachers, students and perceptors of the theory-practice gap in nurse education. Nurse Education Today 2000; 20(6): 432-43.
7. Cook HS. Mind the theory-practice gap in nursing. Journal of Advanced Nursing 1991; 16: 1462-9.

[Downloaded from ijme.mui.ac.ir on 2026-11-13]